

A Qualitative Exploration of Conditions for Self-Differentiation in Iranian Families

Salar Seyyed Majidi 

Ph.D student in counseling at Aras International Campus, University of Tehran, Iran

Keyvan Salehi *

Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran

Yaser Madani 

Assistant Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran

Somaye Shahmoradi 

Assistant Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran

Abstract

Self-differentiation is a dynamic process that is formed and experienced under the influence of various conditions and is also considered dependent on the cultural and social context. Considering this issue, the question was raised to explore conditions associated with self-differentiation formation in families. To find the answer to this question, the qualitative approach, the systematic design of grounded theory at the level of conceptual ordering, was used. 17 participants were interviewed through criterion sampling and according to data saturation. Data analysis was done using the first stage of Strauss and Corbin's coding method. After data analysis, 183 primary codes were identified, and then in the process of integration and comparison, 48 subcategories and nine categories were formed and classified into causal, contextual, and mediating conditions. The findings show that challenging conditions and motivation to progress lead people to self-differentiation. In addition to those causal conditions, if people are in intermediary conditions such as gaining

* Corresponding Author: keyvansalehi@ut.ac.ir

How to Cite: Seyyed Majidi, S., Salehi, K., Madani, Y., Shahmoradi, S. (2025). A Qualitative Exploration of Conditions for Self-Differentiation in Iranian Families, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 16(62), 1-36. DOI: 10.22054/qccpc.2025.75805.3198

different experiences in life, self-determining characteristics, and the desire to succeed, as well as background conditions such as communication with successful models, social and cultural structures, contexts, and events in the family, as well as the cooperative atmosphere and to be supported by the family, the formation process of their self-differentiation is facilitated and accelerated. The present study's findings, in addition to enriching national knowledge and guidance for future research, provided a deeper understanding of this psychological characteristic in the cultural context, which can also have extraordinary practical consequences in counseling and psychotherapy about multicultural issues.

Keywords: Conceptual Ordering, Differentiation of Self, Family, Grounded Theory, Self-Differentiation.



مطالعه کیفی شرایط مؤثر در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها

دانشجوی دوره دکتری تخصصی رشته مشاوره، پردیس بین‌المللی ارس
دانشگاه تهران، ایران.

سالار سیدمجیدی 

دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ایران

کیوان صالحی  *

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ایران

یاسر مدنی 

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ایران

سمیه شاهمرادی 

چکیده

تمایز یافتگی خود، فرآیندی پویاست که تحت تأثیر شرایط مختلفی شکل گرفته و تجربه می‌شود و همچنین وابسته به بافت فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به همین موضوع، این پرسش مطرح شد که شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود خود در خانواده‌ها چیست؟ برای یافتن پاسخ، از روش نظریهٔ برخاسته از داده‌ها در سطح نظم‌دهی مفهومی بهره گرفته شد. از طریق نمونه‌گیری ملاکی و با توجه به اشباع داده‌ها با ۱۷ نفر مصاحبه شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از مرحلهٔ اول شیوهٔ کدگذاری استراوس و کوربین انجام شد. پس از تحلیل داده‌ها، ۱۸۳ کد اولیه شناسایی شد، سپس در فرآیند ادغام و مقایسه ۴۸ زیرمقوله و ۹ مقوله تشکیل شده و در بخش‌های شرایط علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که شرایط چالش‌برانگیز به همراه انگیزه به پیشرفت و تغییر افراد را به متمایز شدن سوق می‌دهد. علاوه بر آن شرایط علی، چنانچه افراد در شرایط واسطه‌ای نظیر کسب تجربه‌های متفاوت در زندگی، ویژگی‌های خودتعیین‌گر و تمایل به موفقیت و همچنین شرایط زمینه‌ای مانند ارتباط با الگوهای موفق، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، بسترها و رویدادها در خانواده و همچنین جو مشارکتی و حمایتی خانواده قرار بگیرند، شکل یافتن

تمایز یافتگی‌شان تسهیل و تسریع می‌شود. یافته‌های مطالعه حاضر علاوه بر غنی‌سازی دانش بومی و راهنمایی برای پژوهش‌های آتی، شناخت عمیق‌تر شرایط مرتبط با شکل‌گیری این ویژگی روان‌شناختی را در بستر فرهنگی فراهم نمود که همچنین می‌تواند پیامدهای عملی ویژه‌ای نیز در مشاوره و خانواده‌درمانی با توجه به مبحث چندفرهنگی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی خود، خانواده، خودمتمایزسازی، نظریه برخاسته از داده‌ها، نظم‌دهی مفهومی.

مقدمه

بر طبق نظریه نظام‌های خانواده که از اصلی‌ترین رویکردهای خانواده‌درمانی به شمار می‌رود، سلامت روان هر انسان به برخورداری او از هر دو حس تعلق داشتن و متمایز بودن مرتبط است (کالاتراوا، ماریانا، مارتینز، شویر-کالینز، دوچ-سبالوس و رودریگز-گونزالز^۱، ۲۰۲۲)؛ به عبارتی، تمایز یافتگی خود^۲ به عنوان فرآیندی پویاست که از لحاظ بین فردی در بطن روابط اعضای خانواده قرار می‌گیرد (دنگ، تادسی، خالد، ژانگ، سانگ و گائو^۳، ۲۰۲۳) و این گونه شرح داده می‌شود که نشان‌دهنده میزان توانایی شخص در تفاوت قائل شدن میان فرآیندهای عقلانی و هیجانی است؛ بدین معنی که تمایز یافتگی رسیدن به میزانی از استقلال عاطفی است که شخص بتواند در موقعیت‌های هیجانی بدون غرق شدن در فضای آن موقعیت‌ها، به صورت عقلانی و مستقلانه تصمیم بگیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۴، ۲۰۱۳). در نظریه موری بوئن^۵، تمایز یافتگی هم‌سنگ سلامت روانی در نظر گرفته می‌شود (شنله، یانکوویچ و میتروویچ^۶، ۲۰۲۳) و به عنوان ستون این نظریه در حکم سلامت و پختگی روان‌شناختی، استقلال هیجانی و بلوغ رابطه‌ای اجتماعی قرار می‌گیرد (بولاندر^۷، ۱۹۹۵). تمایز در معنای بوئنی آن، بیشتر یک فرآیند است تا هدفی دست‌یافتنی؛ به عبارتی، تمایز یافتگی در حکم مسیر زندگی است نه اینکه یک حالت وجودی یا بودن باشد و از دیدگاه بوئن در اوایل بزرگسالی تا حدودی به تثبیت می‌رسد (مرت^۸، ۲۰۲۴).

عوامل مؤثر یا شرایط شکل‌دهنده، پیش‌نیازها یا پیشایندها آن دسته از نمودها یا جوانبی هستند که قبل از رخ دادن یک پدیده یا به جریان افتادن یک فرآیند، باید وجود

1. Calatrava, Mariana, Martins, Schweer-Collins, Duch-Ceballos & Rodríguez-Gonzalez
2. Self-differentiation
3. Deng, Tadesse, Khalid, Zhang, Song & Gao
4. Goldenberg & Goldenberg
5. Murray Bowen
6. Šnele, Janković & Mitrović
7. Bohlander
8. Mert

داشته باشند (واکر و آوانت^۱، ۱۹۸۸)؛ یعنی در ابتدا، فرد باید از نظر رشدی^۲ برای تمایز یافتن آماده باشد؛ بنابراین، بدیهی است که ظرفیت‌های فکری، هیجانی و رفتاری برای ارتباط با خود و دیگران، پیش‌نیاز تمایز یافتگی به شمار می‌روند (زراج^۳، ۲۰۱۵). آگاهی فرد از افکار و احساسات خودش مقدمه‌ای است بر تفکیک خویشتن؛ هر موقعیت یا شرایطی که بر توانایی فرد برای آگاهی از رویدادهای درونی‌اش مانند افکار و احساسات تأثیر بگذارد، از تفکیک یافتن جلوگیری خواهد کرد (ساندایج، یانکوفسکی، بیسونت و پین^۴، ۲۰۱۷).

از دیدگاه بوئن اولین و اصلی‌ترین پیشایندهای تمایز یافتگی این است که فرد بخشی از یک نظام رابطه‌ای باشد، مانند خانواده مبداء، خانواده هسته‌ای یا خانواده گسترده؛ چراکه تجربه خود/دیگری به عنوان پیش‌نیاز تمایز یافتگی خود در بستر روابط بین فردی در جریان است (دیدریکسن، ادواردز و واکر^۵، ۲۰۱۵). بوئن (۲۰۰۴) اظهار داشت نظام خانواده و تک‌تک اعضای آن در رابطه‌ای متقابل تأثیرگذار و تأثیرپذیر قرار دارند که مطالعه و مداخله در آن از چشم‌انداز سیستمی مقدور است. باهم بودن و خودمختاری نیز در تعادل خاصی تحت عنوان تمایز یافتگی خود در بستر خانواده جریان دارد (گور، اگوزی و یوآو^۶، ۲۰۲۴). خانواده به عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل به وجود آورنده تمایز یافتگی خود شناخته می‌شود (سالرنو، توستو، راسیتی و مرندا^۷، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده مبداء در شکل‌گیری و رشد تمایز یافتگی خود در اعضای یک خانواده از نقش بسیار مهمی برخوردار است (یلدیز^۸، ۲۰۲۳). از طرفی، مواردی مانند نظام هیجانی خانواده، نیروی زندگی، فرآیند فرافکنی

-
1. Walker & Avant
 2. Developmental
 3. Zerach
 4. Sandage, Jankowski, Bissonette & Paine
 5. Didericksen, Edwards & Walker
 6. Gur, Egozi, & Yoav
 7. Salerno, Tosto, Raciti & Merenda
 8. Yildiz

خانواده، فرآیند انتقال چندنسلی و مثلث‌سازی‌ها از جمله عواملی هستند که از دیدگاه بوئن به‌عنوان شرایط مؤثر بر تمایز یافتگی محسوب می‌شوند و در نظریه نظام‌های خانواده مطرح شده‌اند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳).

همچنین شایان ذکر است که تمایز یافتگی خود، مفهومی است که از فرهنگی فردگرا نشأت گرفته است و به‌صورت کلی با استقلال و خودمختاری فرد شناخته می‌شود؛ به اعتقاد فیلیپ آر. شاور (۲۰۱۳)^۱ تمایز یافتگی خود در چارچوبی غربی و آمریکایی مفهوم‌پردازی شده است که با توجه به فرهنگ فردگرای غرب لحاظ کردن آن در فرهنگ‌های جمع‌گرا و شرقی نیاز به تأمل و تفحص بیشتری دارد (به نقل از فایرستون، فایرستون و کتلت^۲، ۲۰۱۳). با بررسی مطالعات مختلف داخلی و خارجی مشخص می‌شود که تمایز یافتگی خود سازه‌ای بسته به فرهنگ و زمینه اجتماعی است (نارایانان و سریرام^۳، ۲۰۲۳؛ سیدمجیدی، صالحی، مدنی، شاهمرادی، ۱۴۰۲). از طرفی، اکثر پژوهش‌ها پیرامون تمایز یافتگی نیز در کشور آمریکا انجام گرفته‌اند (کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین درمانگران اتفاق نظر دارند که زمینه فرهنگی و قومی می‌تواند بر نحوه تفکر، احساس، رفتارها و روابط تأثیر بسزایی داشته باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰). سازه تمایز یافتگی خود نیز همان‌طور که در سطور فوق مطرح شد، مانند بسیاری از کیفیات و ویژگی‌های روان‌شناختی هم در درون روان و هم در روابط میان افراد و اعضای خانواده در جریان است (تالمون، سالمون و گینزبورگ^۴، ۲۰۲۰)، خانواده‌ای که خود به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ در بستر بزرگ‌تر اجتماعی قرار دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳).

از طرفی، دیدگاه عمومی بر این است که تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی باعث محدود و کم‌اثر شدن رویکردهای درمانی می‌شوند اما نظریه درمانی نظام‌های خانواده با مفاهیم انعطاف‌پذیر و مولد این امکان را برای پژوهش‌گران فراهم می‌آورد تا بافت فرهنگی

1. Philip R. Shaver

2. Firestone, Firestone & Catlett

3. Narayanan & Sriram

4. Talmon, Salomon & Ginzburg

متفاوت را در مطالعات خود به بوتۀ نقد و آزمایش بگذارند (سارهر، نیمز و کارتر^۱، ۲۰۱۳). از این رو، بهره‌گیری از آگاهی چندفرهنگی در تمام جنبه‌های حرفه‌های یاری‌گرانه با حساسیت به ارزش‌ها، باورها، تجارب زیسته، قومیت و نژاد، جنسیت، تجارب تاریخی و اجتماعی درون فرهنگی و سبک زندگی مراجعان هر چه بیشتر فعالیت درمانی و مشاوره‌ای را غنا می‌بخشد (تامسون^۲، ۲۰۰۳) و مشخص می‌شود که مطالعه و شناخت کیفیات روان‌شناختی انسان‌ها در سطح وسیع جامعه و در نظر گرفتن آن در مراجعان و درمان‌جویان از سوی مشاوران و خانواده‌درمانگران به چه میزانی حائز اهمیت و ضروری است. بر اساس آنچه مطرح شد، اول اهمیت تمایز یافتگی خود روشن شده و دوم خلأ نظری و پژوهشی در این حوزه معین گشت که با توجه به اهمیت مورد مذکور، شناسایی شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود موضوعی است که پژوهش‌ها تا به حال بدان آن‌چنان که باید نپرداخته‌اند. به این ترتیب در مطالعه حاضر تلاش نمودیم تا به دنبال پاسخ برای پرسش پژوهشمان باشیم که شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها چیست؟

روش

به منظور یافتن پاسخ به پرسش پژوهش و باهدف شناخت دقیق و عمیق شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها و همچنین به دلیل اهمیت زیاد تمایز یافتگی خود در سلامت روان و در حیطه مشاوره و روان‌درمانی و فقدان نتایج و یافته‌هایی بومی در این موضوع، پژوهشگران را بر آن داشت تا شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود را با استفاده از بخش نظم‌دهی مفهومی^۳ در روش نظریه^۴ برخاسته از داده‌ها^۴ شناسایی و تبیین کنند. وقتی دانش یا نظریه‌های موجود به تبیین چنین مواردی نمی‌پردازند، به کمک روش مذکور می‌توان درباره وقوع فرآیند مدنظر، مشکل و یا افراد مورد مشاهده، پژوهش انجام داد (بازرگان، ۱۳۹۷). حصول چنین یافته‌هایی که برخاسته از داده‌ها باشند، بیشتر

-
1. Sauerheber, Nims & Carter
 2. Thompson
 3. conceptual ordering
 4. grounded theory

امکان دارد به واقعیت نزدیک باشد تا نتایجی که با کنار هم چیدن تعدادی مفهوم، پیش‌فرض یا حدس و گمان شکل گرفته است (استراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۰).

میدان مورد مطالعه در این پژوهش شهر تبریز بود؛ به عبارتی، شهروندان ساکن تبریز در زمستان سال ۱۴۰۱ شمسی با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش، مشارکت‌کنندگان مطالعه حاضر را تشکیل دادند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، محدوده سنی ۳۰ تا ۴۵ سالگی، زندگی با خانواده (همسر و فرزندان)، دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم و به بالا و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز این موارد بودند: درخواست شرکت‌کننده برای خروج از تحقیق، عدم همکاری در پاسخ‌گویی، ارائه پاسخ‌های نامرتب، احراز داده‌های نامرتب در زمان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری ملاکی^۲ بهره گرفته شد. منظور از نمونه‌گیری ملاکی، آن است که پژوهشگر تمام حالت‌هایی که ملاک‌های خاصی را دارا هستند را انتخاب می‌کند و مورد واکاوی عمیق قرار می‌دهد (بازرگان، ۱۳۹۷؛ فلیک^۳، ۲۰۰۶).

قاعده کلی در نظریه پردازی مبتنی بر روش برخاسته از داده‌ها در ارتباط با حجم نمونه بدین گونه است که فرآیند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که همه مقوله‌ها به اشباع و کفایت رسیده باشند (آلدیابات و ناونک^۴، ۲۰۱۸)؛ یعنی تا زمانی که هیچ داده جدید یا مرتبط با یک مقوله حاصل نشود، مقوله‌ها از نظر غنا و ویژگی‌ها به خوبی توسعه یافته باشند و گوناگونی‌ها را به نمایش بگذارند و همچنین مناسبات و روابط میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و واضح و اعتبارشان ثابت شده باشد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰)؛ بنابراین در پژوهش حاضر رسیدن به اشباع داده‌ها^۵ تعیین‌کننده حجم نمونه بود که ۱۷ نفر را شامل شد. شرکت‌کنندگان را ۱۰ نفر زن و ۷ نفر مرد تشکیل دادند، همچنین میانگین سنی آن‌ها در

-
1. Strauss & Corbin
 2. criterion sampling
 3. Flick
 4. Aldiabat & Navenec
 5. data saturation

محدوده ۳۵ سالگی قرار داشت. نکته قابل ذکر این است که برای کسب رضایت آگاهانه، دریافت اطلاعات جمعیت‌شناختی و ارائه برگه‌های مربوطه قبل از گردآوری داده‌ها اقدام می‌شد. به دلیل رعایت اخلاق در پژوهش، در جدول زیر از آوردن نام مشارکت‌کنندگان اجتناب شده است و به ذکر برخی ویژگی‌های کلی جمعیت‌شناختی آن‌ها اکتفا شده است. علاوه بر این موارد، برای هر شرکت‌کننده یک کد اختصاصی و محرمانه در نزد مجری پژوهش در نظر گرفته شد و در مراحل بعدی پژوهش صرفاً از آن کد استفاده شد. در استفاده از داده‌ها و یافته‌های حاصل شده از تحلیل آن‌ها و همچنین در انتشار اصطلاحات، نمونه روایت‌ها و مقوله‌ها در ارائه یافته‌ها نیز با توجه به تعهدات کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه هیچ‌گونه اطلاعات هویتی و جمعیت‌شناختی افشاکننده منتشر نشده است؛ همچنین شایان ذکر است که پژوهش حاضر دارای کد اخلاق است (IR.UT.PSYEDU.REC.1401.088).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	شغل	میزان تحصیلات	مدت زمان ازدواج	تعداد فرزندان
۱	مذکر	۳۶	مهندس (پتروشیمی)	دکتری تخصصی	۴ سال	۱
۲	مؤنث	۳۶	مسئول فنی داروخانه	داروسازی	۱۴ سال	۲
۳	مذکر	۳۸	حسابدار	کارشناسی ارشد	۱۰ سال	۳
۴	مذکر	۳۷	وکالت	کارشناسی ارشد	۶ سال	۱
۵	مؤنث	۳۲	کارمند	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱
۶	مؤنث	۳۴	معلم	کارشناسی ارشد	۸ سال	۲
۷	مذکر	۳۲	آزاد	کارشناسی	۳ سال	۰
۸	مؤنث	۴۲	پرستار	کارشناسی ارشد	۱۳ سال	۲
۹	مؤنث	۳۲	مربی	کارشناسی	۹ سال	۱
۱۰	مؤنث	۳۳	کارشناس آزمایشگاه تشخیص طبی	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱
۱۱	مذکر	۳۸	کارمند (بانک)	کارشناسی ارشد	۷ سال	۲
۱۲	مؤنث	۳۷	چشم‌پزشک	دکتری تخصصی	۹ سال	۲

ردیف	جنسیت	سن	شغل	میزان تحصیلات	مدت زمان ازدواج	تعداد فرزندان
۱۳	مذکر	۴۲	معلم	کارشناسی ارشد	۱۳ سال	۲
۱۴	مذکر	۳۶	کارمند	کارشناسی	۴ سال	۱
۱۵	مؤنث	۳۰	کسب و کار شخصی	کارشناسی ارشد	۵ سال	۰
۱۶	مؤنث	۳۷	کارمند	کارشناسی	۱۴ سال	۳
۱۷	مؤنث	۳۲	اشتغال غیررسمی و پاره‌وقت	کارشناسی ارشد	۵ سال	۱

به‌منظور گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه نیمه ساختاریافته مبتنی بر اصول و فرایندهای رواسازی پیشنهادی بنی اسدی و صالحی (۱۳۹۸) بهره گرفته شد. در مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به مشارکت‌کننده آزادی عمل بیشتری داده می‌شود تا راحت‌تر پیرامون موضوع گفت‌وگو کند. در جمع‌آوری داده‌ها از طریق چنین مصاحبه‌هایی، مصاحبه‌گر فهرستی از سؤال‌ها را به همراه دارد که تا حدودی به او اجازه می‌دهد تا پاسخ‌گویی به سؤالات از مسیر خود خارج‌شده و سؤالات جانبی مرتبط در حین مصاحبه را تولید کند؛ در این‌گونه مصاحبه‌ها این انعطاف‌پذیری وجود دارد که پژوهشگر می‌تواند با توجه به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به تنظیم سؤالات بپردازد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۶). در کل ۲۲ مصاحبه اجرا شد که ۲ مورد از آن‌ها مصاحبه‌های آزمایشی بودند و جزء مصاحبه‌های نهایی قرار نگرفتند و ۳ مورد از مصاحبه‌ها به علت داده‌های پرت و اطلاعات نامرتبط از فرآیند پژوهش حذف شدند. فرآیند اشباع داده‌ها به تدریج در مصاحبه‌های ۱۴ و ۱۵ آشکار شد و سپس دو مصاحبه دیگر نیز اجرا شده و مورد تحلیل قرار گرفتند تا از اشباع داده‌ها اطمینان بیشتری حاصل شود و درنهایت ۱۷ مصاحبه اجرا و تحلیل شده باقی ماندند. ۱۳ جلسه مصاحبه به صورت حضوری انجام پذیرفت، ۳ جلسه از مصاحبه‌ها از طریق تماس تلفنی و یک جلسه هم به شکل تماس تصویری برگزار شد. برای کسب اطلاعات بیشتر و توضیحات تکمیلی از ارسال پیام و مکاتبه اینترنتی بهره گرفته شد. طولانی‌ترین جلسه مصاحبه ۸۵ دقیقه و کوتاه‌ترین آن ۴۰ دقیقه بود؛ همچنین، مکان مصاحبه‌های حضوری نیز منزل و محل کار بود. تنظیم تاریخ، ساعت و محل یا نوع مصاحبه (حضوری یا مجازی) از

قبل و با توافق مشارکت کننده و پژوهشگر به انجام می‌رسید. هر جلسه مصاحبه در ابتدا با گفت‌وگوی روزمره و عادی شروع می‌شد و سپس به‌سوی پرسش‌گری از سؤالات اصلی سوق پیدا می‌کرد؛ در میان جلسه جمع‌بندی و ارائه بازخورد انجام می‌گرفت و درنهایت با تشکر از فرد شرکت‌کننده خاتمه می‌یافت.

در این روش، تحلیل داده‌ها^۱ هم‌زمان با گردآوری آن‌ها انجام می‌گیرد و این دو فرآیند منفک از هم نیستند؛ پژوهشگر با تحلیل هم‌زمان داده‌ها، برای گردآوری داده‌های بیشتر شناخت پیدا کرده و برای جمع‌آوری داده‌های بیشتر بعدی نیز تصمیم‌گیری می‌کند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر تحلیل داده‌ها از طریق مرحله اولیه کدگذاری نظری^۲ انجام شد. در ابتدا داده‌های مصاحبه‌ای از طریق نوشتن دقیق آن‌ها به متن تبدیل شدند و مجدداً جهت بررسی بیشتر مورد بازبینی قرار گرفتند؛ در مرحله بعد، داده‌های به متن تبدیل‌شده در نرم‌افزار ورد تایپ شدند و سپس فرآیند کدگذاری به صورت دستی در بستر برنامه مذکور آغاز شد. در ادامه فرآیند کدگذاری، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد شدند و با دقت موردبررسی قرار گرفتند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با همدیگر مقایسه شدند. رویدادها، حوادث، رفتارها و کنش/واکنش‌هایی که از لحاظ مفهومی ماهیت یکسانی داشتند یا از نظر معنا به هم مرتبط بودند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی‌تر که کد نامیده می‌شوند، قرار گرفتند. در این مرحله از کدگذاری پژوهش‌گر قصد داشت تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد و به این دلیل است که در ابتدا داده‌ها از هم جدا و تقطیع شدند و به صورت کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه تبدیل شدند تا بعداً بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی شوند و مرتبط‌ها به یکدیگر ضمیمه شوند. این فرآیند در تحلیل داده‌ها تا شکل‌گیری و تدوین منظم کدها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها ادامه پیدا کرد که به تفصیل در بخش یافته‌ها ارائه شده‌اند.

در پژوهش‌های کیفی، اعتباربخشی به نتایج و یافته‌ها بخش فعالی از فرآیند پژوهش است؛ در خصوص ارتقای کیفیت، ارزیابی و به بیان سستی آن، یعنی روایی و پایایی

1. data analysis
2. theoretical coding

تحقیقات کیفی از رویکردهای مختلفی بهره گرفته می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹)؛ در پژوهش حاضر نیز از رویکرد تلفیقی و ملاک‌های چندگانه استفاده شده است که مختص انواع پژوهش‌های کیفی و نظریه برخاسته از داده‌هاست. روایی درونی، اعتمادپذیری یا صحت داده‌ها بیشتر به غنای داده‌ها، انسجام داده‌ها و توانایی تحلیل محقق وابسته است. به‌منظور افزایش اعتمادپذیری داده‌ها، از دو نفر از متخصصان آشنا با ماهیت موضوع پژوهش یاری گرفته شد تا به بررسی صحت داده‌ها و میزان اعتماد و باورپذیری یافته‌های حاصل‌شده از تحلیل داده‌ها بپردازند. همچنین در زمینه اعتبار بیرونی و تعمیم‌پذیری در تحقیق کیفی مفروض است که جایگاه دنیای واقعی به‌طور غیرقابل‌اجتنابی در تغییر است، بنابراین تکرار، ممکن نیست. برای افزایش روایی بیرونی یا انتقال‌پذیری یافته‌ها از راهبرد چندسویه‌سازی داده‌ها بهره گرفته شد. در این راهبرد، علاوه بر داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه‌ها، به اسناد و مبانی و شواهد پژوهشی نیز مراجعه شد. در زمینه گردآوری داده‌ها از دستیار پژوهشگر و همچنین در تحلیل داده‌ها و بررسی اعتبار آن‌ها نیز توافق بین دو کدگذار برای متون یکسان بررسی گردید و مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در راستای راهبرد مذکور، جلسات مصاحبه‌ها در مکان و زمان‌های متفاوت و جلسات مختلف حضوری و مجازی انجام پذیرفت.

به‌منظور ارزشیابی پایایی به معنی اتکاپذیری در پژوهش‌های کیفی، لازم است تا محقق مدارک کافی مرتبط با پدیده موردتحقیق را در اختیار داشته باشد و به‌طور مشروح و دقیق، رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط تحقیق را توضیح دهد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در زمینه افزایش اتکاپذیری، تلاش بر این بود تا با تهیه و ارائه شواهد پژوهشی، مبانی و اسناد کافی درباره پدیده مورد مطالعه و شرح دقیق روش و اجرای مطالعه به انجام برسد. همچنین علاوه بر ملاک مذکور، برای بررسی تطابق همگونی داده‌ها، ثبات و همگرایی آن‌ها از مراجعه به سه نفر از مشارکت‌کنندگان برای کنترل و بررسی مفاهیم شناسایی شده و مقوله‌ها نیز بهره گرفته شد. تأییدپذیری در پژوهش حاضر هم با توضیح و

شرح جزئیات از فرآیند گردآوری داده‌ها، روش پژوهش و تحلیل داده‌ها، تأمین شد. به همین منظور، برای قانع‌سازی خوانندگان و تأییدپذیری از توضیحات دقیق و به‌کارگیری و ارائه اصطلاحات و روایت‌های هر یک از مصاحبه‌شوندگان (با حفظ اصل رازداری) بهره گرفته شد. همچنین ملاک برآزش در نظریه برخاسته از داده‌ها نیز بر این مورد دلالت دارد که نظریه باید بر داده‌ها برآزش یافته باشد (بازرگان، ۱۳۹۷)؛ به عبارتی، یعنی فرآیند شناسایی کدها و مفاهیم اولیه، مفهوم‌پردازی‌ها و حرکت به‌سوی انتزاع مبتنی بر داده‌ها یا با استناد به داده‌ها برآزش یافته و شکل گرفته است. این ملاک نیز به همین صورت انجام پذیرفت که در آن پژوهشگر به توضیح دقیق تشکیل و ارتباط منظم میان مقوله‌ها و یکپارچه‌سازی آن‌ها از طریق مراحل مختلف فرآیند پژوهش کیفی پرداخته است.

یافته‌ها

در این پژوهش با رهیافت کیفی، شناسایی شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود با انجام مصاحبه‌ها مطالعه شد. با تبدیل به متن و پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و مقایسه مداوم داده‌ها بر اساس فرآیند دورانی در نظریه داده‌بنیاد، مفاهیم از درون آن‌ها استخراج و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. برای آنکه وقایع، ایده‌ها و رویدادهای مشابه در یک واحد یا یک دسته گروه‌بندی شوند، مفهوم‌سازی که همان انتخاب یک نام برای هر رویداد یا اتفاق است، با کاوش عمیق در یک جمله، سطر یا پاراگراف انجام شد و به هر کدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق گشت. به‌طور کلی از تحلیل اولیه داده‌ها در مجموع ۱۸۳ کد اولیه شناسایی شد و در ادامه فرآیند کدگذاری با مقایسه مفاهیم، شناسایی موارد مشابه و مشترک، کدها یا مفاهیم در قالب ۴۸ زیرمقوله مشخص شدند. در مرحله بعدی کدگذاری، زیرمقوله‌های به‌دست آمده در ۹ مقوله طبقه‌بندی گردیده و در نهایت در بخش‌های شرایط علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای قرار گرفتند. در ادامه، ابتدا تشکیل و دسته‌بندی مقوله‌ها در جدول و سپس با استناد بر نمونه روایت‌ها ارائه شده‌اند.

جدول ۲. تشکیل مقوله‌ها از زیر مقوله‌ها

بخش‌ها	مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها
شرایط علی	شرایط چالش برانگیز	موقعیت‌های چالش برانگیز، شرایط سخت زندگی، شرایط تحصیلی، متفاوت بودن شرایط زندگی، بهره‌گیری از فرصت‌های چالش‌زا و تلاش برای اثبات خود.
	انگیزه و علاقه به پیشرفت و تغییر	ارادهٔ راسخ، برنامه داشتن، احساس نیاز به تغییر، انگیزهٔ اخلاقی، انگیزهٔ پیشرفت، انگیزهٔ خودسازی، انگیزهٔ خودشناسی، انگیزهٔ خود شکوفایی، پیگیری علایق و استعدادها، پیگیری حرفهٔ مورد علاقه، پافشاری بر خواسته‌ها، توجه به علایق و استعدادها و پیگیری رشتهٔ مورد علاقه.
شرایط زمینه‌ای	بسترها و رویدادها در خانواده	تشکیل خانواده و ازدواج، گرایش به شغل خانوادگی، تجربه مسئولیت‌های بیشتر در خانواده، تاب‌آوری در خانواده، تجارب مختلف خانوادگی، نحوهٔ رفتار اعضای خانواده و جو شلوغ خانواده.
	جو مشارکتی و حمایتی خانواده	هدفمندی خانواده، راهنمایی‌های والدین، حمایت‌های اعضای خانواده، احساس امنیت در خانواده، اهمیت نظم در خانواده، جو تشریک‌مسابی در خانواده، جو محترمانه در خانواده، ترغیب و تشویق‌های خانوادگی، مقبولیت خانوادگی و همکاری در میان اعضای خانواده.
	ارتباط با الگوهای موفق	حضور الگوهای موفق، ارتباط با الگوهای موفق، کمک آشنایان، رقبای سرسخت، تجربهٔ بودن در محیط علمی، فرصت‌های مطالعه و ادامهٔ تحصیل، حضور گروه همسالان موفق، وجود افراد الگو و مشوق در خانواده، وجود جو رقابتی، شرایط محیطی فعال‌ساز، شرایط شغلی مناسب، حمایت از اشتغال شخصی فرد.
	ساختارهای اجتماعی و فرهنگی	مرزبندی نقش‌ها، پذیرش نقش‌ها، آشنایی با آداب و رسوم، قوانین خاص فرهنگی، تجربهٔ فرهنگی متفاوت، ورود به محیط اجتماعی جدید، باورهای فرهنگی و جمعی، جامعه‌پذیری، تفاوت‌ها و تشابه‌ها در جامعه.
شرایط واسطه‌ای	توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر	تحصیلات تکمیلی، انتخاب‌های فردی، خودحمایتی، شناخت توانایی‌ها، خویشتن‌پذیری، کنجکاوی، منتقد بودن، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری، تسلیم‌ناپذیری، داشتن اراده و پشتکار و آگاهی از مسئولیت‌ها.
	تمایل به موفق بودن و اجتناب از شکست	غلبه بر خلق منفی، غلبه بر چالش‌ها، درس گرفتن از شکست‌ها، تاب‌آوری در زندگی، توجه به نتایج رویدادها، تصمیمات موفقیت‌آمیز فردی و گریز از احساس شکست.

بخش‌ها	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
	تجربه‌های متفاوت در زندگی	علاقه‌مندی به عقاید مختلف، تجربه دنیای مدرن توأم با درک سنت‌ها، بازخوردهای اطرافیان، تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده، فرصت‌های متنوع حرفه‌ای، تجربه‌های مؤثر شغلی و تجربه نقش‌های متفاوت در زندگی.

بر اساس تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری، در ابتدا کدهای اولیه استخراج شدند و در ادامه فرآیند کدگذاری با مقایسه مفاهیم و بررسی آن‌ها، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌های واحد قرار گرفتند. بدین ترتیب طبقات فرعی و مقوله‌ها یا طبقات اصلی در جدول فوق نمایش داده شده‌اند.

• شرایط علی مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

شرایط علی، مقوله‌هایی مربوط به عوامل یا شرایطی هستند که مستقیماً بر شکل گرفتن یا به وجود آمدن یک پدیده، رویداد یا فرآیند مؤثر واقع می‌شوند. بر اساس تحلیل متون مصاحبه‌ها، مقوله‌های شناسایی شده اصلی مربوط به شرایط علی در شکل‌گیری تمایز یافتگی خود به همراه نمونه‌هایی از گزاره‌های کلامی در مصاحبه‌ها در سطور زیر ارائه شده‌اند.

شرایط چالش برانگیز: شرایطی که مصاحبه‌شوندگان در زندگی با آن مواجه شده و تجربه کرده‌اند، آن‌ها را با چالش‌ها و حتی شاید بتوان گفت با دشواری‌هایی روبرو کرده است که چنین تجربه‌هایی آن‌ها را بنا به گفته خودشان پخته‌تر و متمایز کرده است. در نتیجه تجربه شرایط چالش برانگیز در زندگی، شغل و تحصیل یکی از شرایط شکل‌دهنده تمایز یافتگی خود برای آن‌ها به شمار می‌رود. چند مورد از روایت‌های مرتبط با این شرایط در اینجا آورده شده است؛ در این خصوص مصاحبه‌شونده بیان کرد: «...زندگی تلخ و بد اما خیلی خوب به من یاد داد فقط به خودم چشم بدوزم فقط از خودم انتظار داشته باشم نه کس دیگه‌ای... خلاصه بگم که همیشه قرار نیست زندگی عالی و بی‌نقص باشه تا حاصلش یه آدم متمایز بشه، شرایط سخت هم میتونه آدم رو متفاوت بار بیاره...». مصاحبه‌شونده

دیگری تجارب خود را به این صورت شرح داد: «...زندگی همش موقعیت‌های سخت داره و به چالش کشیده میشی با شاغل شدن و ازدواج کردن و... به نظرم مهم‌ترین بخشش همینه یعنی مثلاً خودم چقدر تلاش کردم تا تصمیماتم رو عملی کنم، به اهدافم برسم، از عهده زندگی و سختی‌هاش بریام...». همچنین تجارب یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به این صورت بود: «...راستش اون زمان من امکان اینکه شهریه پرداز درس بخونم رو نداشتم و با کلی تلاش و زحمت دانشگاه سراسری قبول شدم و این توی زندگی من اتفاق خیلی مهمی بود آگه قبول نمی‌شدم به احتمال خیلی زیاد اونجایی نمی‌رسیدم که حالا هستم...».

انگیزه و علاقه به پیشرفت و تغییر: برای شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، علاوه بر مقوله فوق به عنوان یک شرط علی که منجر به شکل گرفتن تمایز یافتگی خود می‌شود، آن‌ها به مورد دیگری نیز در پاسخ‌هایشان اشاره کردند که هدفمندی، داشتن انگیزه و احساس نیاز به تغییرات در خودشان و همچنین حرکت در مسیر پیشرفت و ارتقای خود را نشان می‌داد؛ به عبارتی روشن‌تر، داشتن انگیزه و علاقه‌مندی به تغییر پیدا کردن و ارتقا یافتن از شرایطی هست که فرد را از دیگران تمایز می‌دهد. در این باره تجارب یکی از مصاحبه‌شوندگان بدین شرح بود: «...اصلی‌ترین عامل خودِ شخص هست، اینکه من خودم رو چقدر می‌شناسم و چقدر حواسم به رفتار و گفتارمه به کارهامه، به نظرم اینکه آدم خودشو خوب بشناسه خیلی مهمه و باعث میشه آدم رو به رشد باشه، مثلاً من بجای اینکه صرفاً خودمو با دیگران مقایسه کنم، افکار و انگیزه‌هامو بررسی کنم...». همچنین شرکت‌کننده دیگری این مورد را توضیح داد: «...من در طول زندگیم توی هر شرایطی که قرار گرفتم یا مشکلاتی برای من پیش اومده بجای اینکه زود احساس شکست کنم سعی کردم خودمو سرپا نگه دارم بالا بکشم، انگیزه‌ام رو نیازم... این انگیزه‌ای هست که منو پیش می‌بره به احساس درونیه...».

• شرایط زمینه‌ای مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای از عوامل، رویدادها، پدیده‌ها یا ویژگی‌هایی هستند که به صورت مستقیم و بی‌واسطه همچون شرایط علی اثرگذار نیستند؛ بلکه به صورت

غیرمستقیم در شکل‌گیری و بروز آن پدیده یا فرآیند مؤثر و زمینه‌ساز هستند. بر اساس تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای، مقوله‌های اصلی مربوط به شرایط زمینه‌ای در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود به همراه مثال‌هایی از گزاره‌های کلامی ارائه شده‌اند.

ارتباط با الگوهای موفق: چه در محیط تحصیلی یا خانوادگی با افراد موفق در ارتباط بودن، زمینه را فراهم کرده است تا مصاحبه‌شوندگان آنان را به عنوان الگوی خود برگزینند. در نتیجه تطبیق دادن اهداف، عملکردها و رفتارها با الگوهای موفق زمینه را برای متمایز شدن افراد فراهم می‌آورد. برای نمونه به چند مورد از روایت‌ها استناد می‌شود: در این خصوص یکی از شرکت‌کنندگان تجارب خود را بدین گونه شرح داد: «...بودن توی یه محیط رقابتی اما سالم خیلی تونست برام مفید باشه، خواهر بزرگترم از معلمی شروع کرد ولی الآن استاد دانشگاه هست و شغلش رو خیلی دوس داره یا دخترخاله هم سنم بار اول پزشکی قبول شد بعدش واسه تخصص با حمایت خانواده رفت انگلیس...». یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در پژوهش بیان کرد: «...پدرم اهل مطالعه بود از اون برامون یه کتابخونه شخصی یادگار مونده که تا حالا حفظش کردیم، همیشه بخصوص سنین بلوغ ما رو به مطالعه تشویق می‌کرد و می‌گفت حالا نخونید بعداً زندگی فرصت نمی‌ده، هیچ‌وقت هم به ما تحمیل نمی‌کرد که حتماً باید کتاب‌های مذهبی یا دینی موردعلاقه خودشو بخونیم، الگوی خوبی برامون هست...».

جو مشارکتی و حمایتی خانواده: اغلب مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که فضای روان‌شناختی و ارتباطی حاکم در خانواده آن‌ها از نوع مشارکتی بوده و اعضای خانواده به‌ویژه والدینشان از انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و تمایل به استقلال آن‌ها حمایت کرده‌اند. وجود جو مشارکتی و حمایتی در خانواده نشان می‌دهد که نهاد خانواده می‌تواند در تمایز یافتگی افراد حائز اهمیت باشد. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «...انتخابم برحسب علاقه بود اما از طرفی هم اعضای خانواده بخصوص پدرم خیلی تشویق می‌کرد که انتخابم هدفی داشته باشه، مثلاً می‌گفت این رشته آینده خوبی داره و راحت‌تر میتونی شاغل بشی و هم بهش علاقه داری، توی خانواده ما هر کاری بایست یه هدفی داشته باشه، این‌طوری

نیست که هر چه پیش آید خوش آید...». شرکت‌کننده دیگری در پژوهش بیان داشت: «...خوشبختانه برای من بد نبوده و من خودم رو مدیون تربیت و حمایت‌های پدر و مادرم میدونم...». همچنین تجارب شرکت‌کننده دیگری نیز درباره این مقوله به این شرح بود: «...ما توی خانواده‌هامون شاهد طرد شدن کسی یا قهر و جدایی نبودیم، سعی بر این بوده که کنار هم بسازیم همو قبول داشته باشیم...». بسترها و رویدادها در خانواده: با توجه به نتایج حاصل از تحلیل متون مصاحبه‌ها، مشخص می‌شود که تجربه‌ها، رویدادها و رفتارها در خانواده بستری را فراهم کرده است که فرآیند تمایز یافتگی را سهولت و سرعت بخشیده است. به عبارتی وقایع و رویدادها در محیط خانواده با غنا بخشیدن به تجربیات هر یک از اعضا، تمایز یافتن آن‌ها را تسهیل کرده است. برای مثال مصاحبه‌شونده‌ای گفت: «...توی فرهنگ ما بخصوص برای پسرها مستقل شدن و خانواده تشکیل دادن خیلی مهمه اما این روزا به تنهایی تشکیل دادن زندگی یا مستقل شدن برای جوان‌ها تقریباً غیرممکنه، منم با پشتیبانی خانواده مخصوصاً پدرم به جایی رسیدم که بهم احساس رضایت میده...». مصاحبه‌شونده دیگری تجارب خود را به این شرح توضیح داد: «...من موقعی که نوجوون بودم چیزایی که توی خانواده یاد گرفتم خیلی بیشتر از مدرسه بود، اما هر موقعیتی، هر تجربه‌ای میتونه مؤثر باشه یه چیزی بهت یاد بده...». همچنین مشارکت‌کننده دیگری بیان داشت: «...چون همه چی از خانواده شروع میشه، یعنی من یهویی به اینجا نرسیدم که به مرور توی خانواده بزرگ‌سال شدم، منظورم اون جریان رشد کردنه...».

ساختارهای اجتماعی و فرهنگی: چنین ساختارهایی، همان چارچوب‌هایی هستند که خواه و ناخواه رفتار اعضای جامعه و به تبع آن اعضای نظام خانواده را هدایت می‌کنند. به عبارتی، اکثر رفتارهای مرتبط با تمایز یافتگی خود در اعضای خانواده در مسیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته، حرکت کرده و جهت یافته است؛ بنابراین ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای به نحوی شرایطی را برای تمایز یافتگی افراد فراهم می‌سازد. برای نمونه قسمت‌هایی از متون مصاحبه‌ها تأیید می‌کنند که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، زمینه را برای این فرآیند بسترسازی می‌کنند؛ یکی از مصاحبه‌شونده‌ها

بیان کرد: «...ما هم مثل همه خانواده‌ها آداب و رسومات خودمون رو داریم و اینکه خانواده همسر من از یه فرهنگ دیگه هستن برام مشکل ساز نبوده اتفاقاً خوشاینده... ارتباط گرفتن با آدم‌ها از یه فرهنگ دیگه سخته این که عضوی از خانواده شون بشی سخت تره اما من این رو به یه تجربه خوب تبدیل کردم...». تجارب یکی از مصاحبه‌شوندگان بدین شرح بود: «...یه سری عقایدی که ممکنه اشتباه باشن اما انتقال پیدا کنن و خیلها باورشون کنن مثل این عقیده که خانه‌داری واسه خانومها بهترین شغله یا مردها نباید احساساتشون رو بروز بدن، من به شخصه با چنین عقایدی می‌جنگم اما با چیزای خوبی که توی فرهنگمون هست و باید اونا رو بپذیریم مخالفتی ندارم...». همچنین توضیح تجارب شرکت‌کننده دیگری این گونه بود: «...جامعه که میگم مهمه اونم قوانین نانوشته درست و غلطی داره که هم میتونه به آدم بال و پر بده که ارتقا پیدا کنه یا اینکه در حکم قفس باشه و آدم رو محدود کنه...».

• شرایط واسطه‌ای مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

شرایط واسطه‌ای، مجموعه رویدادها، عوامل یا ویژگی‌هایی هستند که به صورت غیرمستقیم و با واسطه بر شکل‌گیری پدیده مورد مطالعه اثر می‌گذارند؛ به عبارتی دیگر، به صورت مستقیم در شکل‌گیری و بروز آن مؤثر واقع نمی‌شوند بلکه تأثیر شرایط علی و شرایط زمینه‌ای را تشدید کرده و یا آن را کاهش می‌دهند. با توجه به همین ویژگی شرایط واسطه‌ای، در ادبیات روش‌شناختی از آن به عنوان شرایط مداخله‌گر نیز یاد می‌شود. با توجه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی شرایط واسطه‌ای در شکل‌گیری تمایز یافتگی خود به همراه نمونه‌هایی از گزاره‌های کلامی مرتبط در متن مصاحبه‌ها در سطور زیر ارائه شده است.

توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر: توانمندی‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فردی هرچند شرط اصلی در شکل گرفتن تمایز یافتگی افراد نیست اما آن فرآیند شکل‌گیری را شدت می‌بخشد. فرد به موازات اینکه اهداف و برنامه‌ای دارد و برای تحقق آن‌ها با انگیزه و اراده و از طریق توانایی‌هایش با روحیه‌ای تسلیم‌ناپذیر در تلاش است، می‌تواند فرآیند متمایز شدن خود را تسریع و تسهیل کند. به عنوان مثال روایت یک

شرکت‌کننده به این شرح است: «...اولاً قرار گرفتن توی محیط خوب و پُر امکانات کافی نیست، ثانیاً باید به اراده‌ای، تلاش و کوششی واسه رشد و پیشرفت کردن وجود داشته باشه، اینا لازم و ملزوم همدیگه هستن، من در طول زندگیم توی هر شرایطی که قرار گرفتم یا مشکلاتی برایم پیش اومده بجای اینکه زود احساس شکست کنم سعی کردم به چشم کسب تجربه به حوادث نگاه کنم...». تجربه‌ی یکی از مصاحبه‌شوندگان به این صورت بود: «...اول باید توانایی‌ها تو بهتر بشناسی بعدش اقدام کنی، ای کاش منم زودتر اقدام می‌کردم، چون فقط لیسانس گرفتم و ادامه ندادم بعدش هم شاغل نشدم اما الان چند سالی میشه که غیررسمی وارد بازار کار شدم و این تجربه‌ی خیلی خوبیه برای من...».

تجربه‌های متفاوت در زندگی: اینکه فرد تا چه حدی نقش‌های متفاوتی در محیط خانواده و جامعه ایفا کرده باشد، به غنی شدن، پختگی و با تجربه بودن بیشتر او منجر می‌شود و در نتیجه چنین شخصی می‌تواند در پیشبرد اهداف و انگیزه‌های خود از این تجربه‌ها یاری بجوید. مصاحبه‌شوندگان اغلب بر این امر تأکید ورزیدند که در شکل گرفتن تمایز یافتگی‌شان، تجربیات قبلی که به واسطه پذیرش نقش‌ها و حضور در محیط‌های متفاوت و مختلف بوده، به کمکشان آمده است. در سطور بعدی، به چند نمونه از روایت‌های مرتبط با این مقوله اشاره می‌شود. در این خصوص یک شرکت‌کننده گفت: «...من ترم اول دانشگاه بودم می‌رفتم مدرسه‌ای که عمویم اونجا دبیر ریاضی بود واسه دانش آموزها کلاس‌های فوق برنامه برگزار می‌کردم، نوجوان که بودم به کارگاه نجاری شوهر عمه ام می‌رفتم، خیلی چیزها یاد گرفتم، اون موقع که پدرم بیمارستان طبابت می‌کرد هرازگاهی پیش اونم می‌رفتم...». تجربه‌ی یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به این شرح بود: «...دانشگاه رفتم یعنی دوران دانشجویی یا سربازی خودش تجربه هست و یا کارهای موقتی که قبل از اشتغال دائمی تجربه کردم هر کدوم برای من به درسی دادن چیزی اضافه کردن...».

تمایل به موفق بودن و اجتناب از شکست: دوری جستن از شکست‌ها و غلبه بر چالش‌ها که نکته‌ی مقابل تمایل به موفقیت است به عنوان یک تقویت‌کننده قوی در

روان‌شناسی همواره مورد توجه و بحث بوده است. با این وجود انگیزه پیشگیری از شکست‌ها و چالش‌پذیری می‌تواند کمک کند تا متمایز شدن با سرعت بیشتری شکل بگیرد و تکامل یابد. چنانچه تاب‌آوری و سرسخت بودن در زندگی، عبرت‌گیری از شکست‌ها و پذیرش وجود مشکلات و تلاش برای فائق آمدن بر آن‌ها نیز می‌تواند شرایط یا عوامل مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود را تسهیل کرده و بر راهبردها و کنش/واکنش‌های آن تأثیرگذار باشد. برای مثال یکی از مصاحبه‌شونده‌ها تجارب مرتبط با این مقوله را بدین شرح با ما در میان گذاشت: «...توی محیطی که همه چی و همه کس شبیه هم هستن، تفاوت‌ها و به قولی تمایزها چطوری به وجود بیان... شباهت‌ها منجر به شباهت‌ها میشن اما آگه قرار باشه من متمایز بشم این از شرایط یا کسی که شبیه منه اتفاق نیفته در مقابل با بودن توی محیط یا برخورد با آدمایی میشه که متفاوت هستن و من رو چالش میکشن که باید از عهدشون به خوبی بریام...». یکی دیگر از شرکت‌کنندگان بیان داشت: «...برای اولین بار که احساس استقلال رو تجربه کردم، زمانی بود که واسه دانشگاه رفتم یه شهر دیگه... یادم میاد اون اوایل احساس استرس می‌کردم و بعدها حس دل‌تنگی خیلی زیاد بود اما کنار اوادم اینا دلیلی نبودن که من بخاطرشون بخوام انصراف بدم برگردم به قول معروف لگد به بختم بزنم...».

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، مقوله‌ها در شرایط علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود به صورت ادغام‌شده و در قالب گزاره‌هایی به شرح زیر تکوین یافته است. افراد برای حصول و رسیدن و یا تجربه چنین پدیده‌هایی از سوی شرایط و یا موقعیت‌های چالش‌زا به اثبات خود و چالش‌پذیری دعوت می‌شوند؛ به عبارتی، شرایط چالش‌برانگیز در زندگی فرد منجر به پدیده‌هایی مانند مستقل بودن، تمایز داشتن و هویت شخصی می‌شود. به چالش کشیده شدن در شرایط مختلف و گاه سخت‌زدگی و حضور و بهره‌گیری از چنین موقعیت‌هایی افراد را به متمایز بودن و یا تمایز یافته عمل کردن رسانده است. به موازات همین شرایط چالش‌برانگیز، افراد به لحاظ درونی نیز دارای اراده و انگیزه‌ای هستند که در آن‌ها چنین پدیده‌هایی را به وجود

می‌آورد. پافشاری و پیگیری خواسته‌ها و علایق، نشان دادن اراده‌ای محکم و راسخ در ادوار مختلف زندگی، انگیزه برای رشد و پیشرفت و ارتقا پیدا کردن همگی از جمله شرایطی هستند که مؤثر واقع می‌شوند و تمایز یافتگی و تفاوت‌های فردی را شکل می‌دهند. در این میان، شرایطی نیز وجود دارند که غیرمستقیم بر شکل‌گیری تمایز یافتگی خود تأثیر می‌گذارند و به نوعی شکل گرفتن، جریان یافتن و تجربه آن را زمینه‌سازی می‌کنند. شرایط زمینه‌ای مانند محیط و بستر خانواده از جمله آن‌هاست؛ به عبارتی، کسب تجارب مختلف در بستر خانواده، نحوه رفتار هر یک از اعضا و همچنین ازدواج و تشکیل خانواده از عواملی محسوب می‌شوند که رفتارهای تمایز یافته و مستقلانه را شکل داده و تقویت می‌کنند. علاوه بر آن شرایط، جو حمایتی خانواده، تشریک‌مسابی و وجود احترام، نظم و امنیت در محیط خانواده به عنوان تجربه‌ای رشدی در خانواده مبدأ موجب شده است تا افراد در رفتارها و اقداماتشان خود را متمایز تلقی کنند. همچنین ارتباط با الگوهای موفق در زندگی به ویژه در سنین نوجوانی و اوایل جوانی، حضور افراد مشوق و همسالان موفق و جوی سالم و رقابتی نیز از جمله شرایط تأثیرگذار زمینه‌ای محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری و تجربه آن مؤثر واقع شده‌اند. علاوه بر شرایط مذکور، بستر فرهنگی و ساختارهای اجتماعی مانند نقش‌های اجتماعی، آداب و رسوم، توجه به تفاوت‌ها و تشابه‌ها در جامعه، قوانین و باورهای جمعی و فرهنگی نیز وجود دارند که می‌توانند بر تجارب مختلف مربوط به تمایز یافتگی در افراد تأثیرگذار باشند؛ بررسی تجارب افراد شرکت‌کننده در پژوهش حکایت از تأثیرپذیری آن‌ها از جامعه، فرهنگ و محیط پیرامونشان دارد. در کنار شرایط علی و زمینه‌ای، شرایط واسطه‌ای یا مداخله‌گری نیز وجود دارد که این تجارب افراد را تقویت می‌کنند. کسب تجربه‌های متفاوت در زندگی و یا تجربه‌های متنوع و مؤثر شغلی و حرفه‌ای در زمره شرایط واسطه‌ای بودند که برای افراد شرکت‌کننده اثرگذار بوده‌اند. به همراه این شرایط بیرونی، یک سری توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گرانه مانند انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری، خویشتن‌پذیری، روحیه تسلیم‌ناپذیری و پشتکار داشتن از جمله شرایط درونی اثرگذار بر رفتارهای فرد بوده‌اند که تجربه

تمایز یافتگی افراد را تقویت کرده و به آن سرعت بخشیده‌اند. همچنین موفقیت طلب بودن افراد، اجتناب از احساس شکست خوردگی و تاب‌آوری در زندگی نیز جزء عوامل مداخله‌گر و واسطه‌ای بوده است که مؤثر واقع شده و این‌گونه تجارب را تسهیل و تقویت کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر کشف و توصیف شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها بود. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده در این پژوهش که حاصل تحلیل کیفی متون مصاحبه‌ها بود پژوهشگر به ۹ مقوله اصلی دست یافت که در بخش مربوط به شرایط علی ۲ مقوله، در شرایط زمینه‌ای ۴ و در شرایط واسطه‌ای ۳ مقوله جای گرفت. در سطور بعدی به بحث و بررسی پیرامون هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از مقوله‌های اصلی شناسایی شده در شرایط علی، انگیزه و علاقه به تغییر و پیشرفت است. با تأمل و تفحص در مقوله مذکور می‌توان دریافت که در تجارب و ادراکات مشارکت‌کنندگان در پژوهش، یکی از شروط اصلی در شکل گرفتن تمایز یافتگی خود، داشتن انگیزه و علاقه‌مندی به تغییر و ارتقا یافتن و پیگیری علایق خود است. علی‌رغم اینکه در مبانی مرتبط با تمایز یافتگی خود به بُعد درون‌فردی آن اشاره شده است اما در حیطه عوامل شکل‌دهنده آن هیچ اشاره‌ای به چنین موارد درون‌فردی یا روان‌شناختی نشده است که جنبه نوآورانه پژوهش حاضر را نشان می‌دهد؛ چراکه شرایط جدیدی در ارتباط با شکل‌گیری این سازه روانی شناسایی شده است. داشتن انگیزه زیربنای رفتار انسان محسوب می‌شود و می‌توان آن را نیرویی تعریف کرد که فرد را به سوی فعالیت و انجام عملی هدایت می‌کند. انگیزه محرک اساسی برای تمام اعمال ماست و اشاره به پویایی رفتار دارد که شامل نیازها، تمایلات، خواسته‌ها و حتی جاه‌طلبی‌های انسان در زندگی است (خدیوی و وکیلی‌مفاخری، ۱۳۹۰). این یافته پژوهش در همسویی با مطالعه‌ای است که فرآیند رشدی تمایز یافتگی خود را در جوانان چینی بررسی کرد و در آن مشخص شد که خودانگیزی از شاخص‌های اصلی شناسایی شده در تمایز یافتگی خود

است (رو وانگ^۱، ۲۰۱۹). مقوله اصلی دیگری که در ارتباط با شرایط علی شناسایی شد، شرایط چالش‌برانگیز نام دارد. افراد در زندگی‌شان، به‌ویژه در دوران معاصر به‌طور فزاینده‌ای با انواع چالش‌ها و مشکلات مواجه می‌شوند (گاثیر و چسنواتیت^۲، ۲۰۲۳). مواجهه با موقعیت‌های چالش‌برانگیز به‌طور بالقوه و در سطوح مختلفی می‌تواند بر فرد و خانواده‌ها تأثیرگذار باشد؛ نتایج چنین رویارویی هم می‌تواند مثبت باشد و باعث رشد و تقویت فرد شود و یا اینکه منجر به آسیب‌پذیری بیشتر فرد در زندگی شود (برناردی، هونینک و سترستن^۳، ۲۰۱۹). مرور یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد که افراد نه فقط در زندگی شخصی و خانوادگی بلکه در حوزه شغل یا دوران تحصیل نیز می‌توانند به چالش کشیده شوند. افرادی که در زندگی با چالش‌ها روبرو می‌شوند، ابراسان‌ها با قدرتی ماورائی نیستند، بلکه آن‌ها افرادی عادی هستند که در برابر بحران‌ها، مشکلات و یا چالش‌ها به جای زانو زدن و تسلیم‌پذیری، موقعیت را بررسی می‌کنند و با اتکا به خود یا بهره‌مندی از منابع محیطی برای اقدام تصمیم‌گیری کرده و سپس سعی می‌کنند بهترین عملکرد را از خودشان نشان دهند.

همچنین بر اساس یافته‌های ارائه‌شده در بخش قبل، شرایط زمینه‌ای مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی را می‌توان در چهار مقوله اصلی طبقه‌بندی و تبیین کرد که یکی از آن‌ها ارتباط با الگوهای موفق است که در آن حضور و ارتباط با افراد موفق و بودن در محیطی است که افراد با الگوها، رقبای موفق و شرایط رقابت‌جویانه و درعین حال تشویق‌کننده مواجه هستند. یکی از آسان‌ترین و شاید مهم‌ترین روش‌ها برای رسیدن به موفقیت، الگوبرداری از افراد موفق است. ایده یا باور قدرتمند و مرکزی الگوگیری این است که افراد معتقدند: «اگر او توانسته است به موفقیتی برسد، پس من هم می‌توانم موفق شوم». بررسی تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر این موضوع را روشن می‌سازد که در اینجا منظور از الگوبرداری، تقلید صرف و یا کپی از کارها و اعمال آن‌ها نیست؛

1. Ru Wang

2. Gauthier & Česnuitytė

3. Bernardi, Huinink & Settersten

چنین امری با استقلال فکری و ماهیت تمایز یافتگی خود در تضاد و اختلاف است. بلکه وجود افراد موفق در اطراف آن‌ها و حضور در محیط‌های رقابتی و همچنین تشویق اطرافیان زمینه‌ای را برای آن‌ها فراهم آورده است که در آن اقدامات و پیامدهای مرتبط با آن در فرآیند تمایز یافتگی بروز یافته است و چنین شرایطی برای آن‌ها مثر ثمر واقع شده است. یکی دیگر از مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. امروزه ثابت شده است که مطالعه روان‌شناختی انسان بدون در نظر گرفتن اجتماع و فرهنگ چندان امکان‌پذیر نمی‌باشد (کمپل و روهریاف، ۲۰۰۶). همچنین تجربه سطح معینی از تمایز یافتگی علاوه بر روابط درون خانواده و شبکه ارتباطی شخص از عناصر فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد (شهبازی، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش حاضر درباره مؤثر بودن ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بر تمایز یافتگی خود با مطالعه پاک‌نژاد و احمدی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد که در آن پژوهشگران به مقایسه شناسه‌های تمایز یافتگی خود از دیدگاه بوئن با شناسه‌های ادراک شده تمایز یافتگی خود در جامعه والدین تهرانی پرداختند و در نتایج مشخص شد که برخی از شناسه‌های تمایز یافتگی خود متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی هستند.

از دیگر مقوله‌های اصلی در شرایط زمینه‌ای جو مشارکتی و حمایتی خانواده است. در خصوص شرایط شکل‌دهنده یا عوامل مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود هم در مبانی نظری و هم در پیشینه پژوهشی غالباً بر نقش خانواده تأکید شده است و به سایر شرایط یا عوامل چندان اشاره‌ای نشده است. این یافته پژوهش حاضر نیز در هماهنگی با آن‌هاست. تمایز یافتگی خود که در نظریه نظام‌های خانواده مفهوم‌پردازی شده است به عنوان فرآیندی پویا که از لحاظ بین فردی در بطن روابط اعضای خانواده قرار می‌گیرد، در نظر گرفته شده است (نارایانان و سریرام، ۲۰۲۳). خانواده نظامی محسوب می‌شود که در فضای آن روابط و صمیمت ایجاد می‌شود و این کار را با تشویق بیان احساس‌ها، ایجاد یک فضای گرم و مشارکتی در خانه، حل تعارض‌ها بدون ایجاد استرس غیر لازم، ایجاد حساسیت نسبت به همدلی و ایجاد اعتماد به انسان‌ها شکل می‌دهد (پناغی، زاده محمدی،

باقریان، پاکدامن، احمدآبادی و محمدی، ۱۳۹۵). افرادی که ابتدا سطح بالاتری از تمایز یافتگی خود را در نظام خانواده تجربه می‌کنند، در آینده توانایی بیشتری نیز برای مقابله با موقعیت‌های تعارض‌زا در زندگی داشته و در رابطه با سایر افراد جامعه و محیط خود به گونه‌ای مثبت و سازگارانه عمل می‌کنند (سوانبرگ-هلم^۱، ۲۰۲۰). مطابق با یافته‌های پژوهش نیز می‌توان بیان کرد که فضای مشارکتی و جو حمایتی خانواده‌ها در ارتباط با اعضای خود، تجربه پشتیبانی‌ها و راهنمایی‌های والدین، وجود انضباط، احترام و احساس امنیت در خانواده و همچنین تشویق‌ها و مساعدت‌ها همگی شرایطی را فراهم کرده‌اند که در فرآیند تمایز یافتگی به صورت مثبتی مؤثر واقع شده است. همچنین در پژوهشی مشخص شد که مدل ارتباطی مبتنی بر گفت‌و شنود در خانواده می‌تواند به صورت مثبت و معنادار تمایز یافتگی خود را پیش‌بینی کند (شیدا، راضی‌رودی، فروغی و مسعودی ۱۴۰۰). آخرین مقوله اصلی شناسایی شده در بخش شرایط زمینه‌ای، بسترها و رویدادها در خانواده می‌باشد. بستر خانواده و اتفاقات و رویدادها در محیط خانواده یکی از عوامل زمینه‌ساز برای تمایز یافتگی افراد در خانواده‌هاست؛ چنین مواردی در کنار سایر تجارب، شرایطی را برای افراد در خانواده فراهم آورده است که در شکل یافتن تمایز یافتگی آن‌ها مؤثر بوده است. شایان ذکر است که اولین و اصلی‌ترین پیش‌آیند برای تمایز یافتگی خود از دیدگاه بوئن این است که فرد بخشی از یک نظام رابطه‌ای مانند خانواده باشد، زیرا تجربه خود/دیگری به عنوان پیش‌نیاز تمایز یافتگی خود در بستر روابط بین فردی جریان پیدا می‌کند (دیدریکسن و همکاران، ۲۰۱۵). در همسویی با یافته‌های فوق می‌توان بیان نمود که خانواده نهادی است که برای اعضای خود بستری را فراهم می‌کند تا در آن تلاش برای برقراری و حفظ تعادل، توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، کسب تجارب بین فردی و موفقیت در رعایت حد و مرزهاست. خانواده به عنوان یک نظام زیستی، اجتماعی و فرهنگی که در زمینه تربیت و ارتقای اعضای خود نقش غیرقابل انکاری دارد و ممکن است فعالیت‌هایش مسبب پیامدهای مختلفی برای هر عضو باشد (تورس و

همکاران^۱، ۲۰۲۱).

شرایط واسطه‌ای در شکل‌گیری تمایز یافتگی را می‌توان در سه مقوله اصلی طبقه‌بندی نمود که یکی از آن مقوله‌ها داشتن تجربه‌های متفاوت در زندگی است. وجود تجارب مختلف در زندگی چه در حیطه خانوادگی و چه در حوزه شغلی و حرفه‌ای، شرایط متفاوتی را برای افراد فراهم کرده است که در کنار سایر عوامل و شرایط اثرگذار در شکل گرفتن تمایز یافتگی فرد مؤثر و تسهیل‌گر واقع شده است. کسب تجارب مختلف و مثبت در زندگی، به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی و قبل از ورود به دوره بزرگسالی یکی از عوامل یا شرایط اثرگذاری محسوب می‌شود که می‌تواند در فرآیند هویت‌یابی و متمایز شدن افراد نقش مهمی ایفا کند. همچنین با توجه به روایت‌های مشارکت‌کنندگان مشخص می‌شود که تجربه‌مندی در دوران مختلف زندگی، هم در خانواده مبدأ و هم در ازدواج و تشکیل خانواده هسته‌ای و همچنین در تجارب شغلی و تحصیلی به همراه سایر عوامل برای آن‌ها شرایطی را تأمین کرده است که فرآیند مذکور را سرعت بخشیده است. دومین شرط واسطه‌ای در شکل‌گیری تمایز یافتگی خود تمایل به موفق بودن و اجتناب از شکست می‌باشد؛ این ویژگی، انگیزه یا تمایل در کنار سایر شرایط مانند مواجهه با موقعیت‌های چالش‌زا و تجربه رویدادهای مختلف در چرخه زندگی برای افراد در حکم عاملی درونی بوده است که به‌صورت مثبت در تجارب و فرآیند مربوط به تمایز یافتگی آن‌ها مداخله کرده است. در بررسی روایت‌های شرکت‌کنندگان مربوط به این یافته در ابتدا لازم است این موضوع مطرح شود که تمایل به موفقیت و اهتزاز از شکست به معنای میل شدید به موفق بودن به همراه کمال‌گرایی منفی و تعیین استانداردهای بسیار سطح بالا نیست و این افراد از شکست منزجر یا متنفر نیستند، بلکه در مقابل این افراد موفقیت طلب هستند و بیشتر به‌جای کمال‌خواهی و رقابت‌گری ناسالم اغلب گویی درگیر یک مسابقه با خودشان هستند؛ در موقعیت‌های مختلف و حتی دشوار می‌توانند خود را ترغیب کنند؛ آن‌ها می‌خواهند پله‌ها را یکی پس از دیگری طی کنند و به مدارج بهتری برسند. همچنین

اجتناب از شکست به این صورت نیست که افراد حاضر در پژوهش به هیچ وجه شکست نخورده و دچار خطا و اشتباه نشده‌اند، بلکه در تجاربشان آن‌ها از شکست‌ها درس گرفته‌اند و آن را به فرصتی دوباره تبدیل کرده‌اند و با تاب‌آوری و غلبه بر دشواری‌ها در پی جبران و موفقیت‌های بیشتر بوده‌اند. تمایل به موفق بودن و یا موفقیت‌طلبی نه فقط برای فرد پیامدهای مطلوبی را به وجود می‌آورد بلکه برای آن‌ها منجر به احساس خوب، رضایت‌مندی و لذت از دستاوردها نیز می‌شود؛ همچنین این موارد برای آن‌ها در زمینه خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار تقویت‌کننده است (ساتون و همکاران، ۲۰۱۳). آخرین مقوله اصلی مورد بررسی در شرایط واسطه‌ای، توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر است. برخی از ویژگی‌های مثبت روان‌شناختی اگرچه مستقیماً در شکل گرفتن تمایز یافتگی خود مداخله نمی‌کنند اما برخورداری افراد از این توانمندی‌ها و خصائص مثبت شرایطی را به وجود می‌آورند که بر آن تأثیرگذار و تسهیل‌گر واقع می‌شوند. در بررسی یافته‌های حاصل از تحلیل متون مصاحبه‌ها مشخص شد که برخی از ویژگی‌ها و انگیزه‌های درونی می‌توانند تمایز یافتگی را تسریع کنند؛ این ویژگی‌ها به علت توجه به بسندگی و شایستگی و همچنین استقلال و خودمختاری فرد ویژگی‌های خودتعیین‌گرانه نام‌گذاری شده‌اند (وندن‌بروک، هووارد، وان‌ویرنبرگ، مئروی و گانگ، ۲۰۲۱). خودتعیین‌گری می‌تواند به خودتنظیمی، تصمیم‌گیری، موقعیت‌شناسی، خودکارآمدی و اراده و پشتکار برای نیل به اهداف شخصی منجر گردد (دهناد، ۱۴۰۰). یکی از ویژگی‌های خودتعیین‌گر یا توانمندی‌های شناسایی شده در این پژوهش انعطاف‌پذیری بود. محققان در سایر پژوهش‌ها به این نتیجه رسیدند که انعطاف‌پذیری پایین به همراه تمایز یافتگی کم باعث آسیب‌پذیرتر بودن فرد و در نتیجه افزایش هم‌ذات‌پنداری در خانواده می‌شود و چنین شخصی با افزایش خودمختاری بیشتر احساس عدم امنیت می‌کند (برکی، ۲۰۲۱).

در مقایسه یافته‌ها و نتایج حاصل شده با چارچوب نظری و پیشینه پژوهشی می‌توان

1. Van den Broeck, Howard, Van Vaerenbergh, Leroy & Gagne
2. Breakey

بیان کرد که یافته‌های به‌دست‌آمده در این مطالعه که شناسایی شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی خود بود، فراتر از الگوهای تدوین‌شده در این حیطه بوده و جنبه نوآورانه داشته است. با مرور مطالب فوق، جایگاه حائز اهمیت تمایز یافتگی بیش‌ازپیش روشن شد که یکی از شناخته‌شده‌ترین سازه‌ها برای پژوهشگران و متخصصان حیطه مشاوره و خانواده‌درمانی است. همچنین مانند هر پژوهش دیگری، این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود: در داده‌های کیفی امکان دارد ذهنیت پژوهش‌گر بر نحوه استخراج مقوله‌ها و تحلیل یافته‌ها تأثیر بگذارد. هرچند نهایت تلاش دوری از این تأثیرگذاری‌ها در فرآیند تحلیل و اعتباریابی یافته‌ها از طریق ملاک‌های مختلفی بود اما چنین احتمالی در همه پژوهش‌های کیفی وجود دارد و در چنین پژوهش‌هایی خود پژوهشگر به‌نوعی ابزار پژوهش محسوب می‌شود. پژوهش حاضر دارای نمونه کوچکی بود و همچنین این پژوهش با محدودیت زمانی مواجه بود. یکی دیگر از محدودیت‌ها، تعداد بسیار کم پژوهش‌های کیفی در موضوع مورد مطالعه بود که امکان مقایسه و بحث و بررسی بیشتر را با دشواری مواجه می‌نمود.

در مطالعه حاضر، تمرکز بر تکوین یافته‌ها و دانش بومی بود، چراکه با پیشرفت علم روان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن در قرن ۲۱ و با توجه به مبحث نوین چند-فرهنگ‌گرایی در مشاوره و روان‌درمانی روشن می‌شود که مطالعه و کاوش ویژگی‌های روان‌شناختی جدا از بافت فرهنگی آن‌ها چندان میسر واقع نمی‌شود. در راستای یافته‌ها و مطالب فوق پیشنهاد می‌شود اقدامات مقتضی از سوی نهادهای فعال در حیطه سلامت روان شهروندان در زمینه تمایز یافتگی و چگونگی شکل‌گیری آن مدنظر قرار گیرد. وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور که در حوزه بهداشت و سلامت روان به‌صورت هماهنگ یا جداگانه فعالیت می‌کنند، می‌توانند در برنامه‌های اجرایی خود توجه و رسیدگی به شکل‌گیری تمایز یافتگی را ادغام کرده و شرایط مؤثر بر آن، راهبردهای مقتضی را مورد توجه قرار دهند و طرح‌های مختلف آموزشی، درمانی، پیشگیری یا رشد و ارتقا را برنامه‌ریزی کنند. همچنین اطلاع از یافته‌های گسترده این پژوهش می‌تواند به

مشاوران کمک کند تا فرآیند مشاوره را غنا بخشیده و در اجرای مشاوره اعم از انفرادی، زوجی یا خانواده‌درمانی این مقوله‌ها و ارتباط میان آن‌ها را مدنظر قرار دهند. دوره‌ها یا کارگاه‌های آموزشی و یا سمینارها، وبینارها، تشکیل گروه‌های آموزشی یا درمانی و جلسات مختلفی با اهداف خاص و مخاطبان خاص برگزار می‌شوند؛ پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌شناسان با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر، آن‌ها را در برنامه‌ها و طرح‌های خود ادغام کنند و متناسب با هر گروه سنی مانند دانشجویان و جوانان، زوجین، والدین و خانواده‌ها دوره‌هایی را تدارک ببینند یا طرح‌های خود را گسترش داده و آن‌ها را غنی‌تر کنند.

تحولات زندگی بشر در هزاره سوم نشان از گسترش روز افزون اهمیت علم و پژوهش است، به‌ویژه پژوهش در حیطه علوم انسانی که یکی از حائز اهمیت‌ترین حوزه‌های پیشرفت یک کشور به شمار می‌رود اما مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرد؛ از این روست که می‌توان گفت بین پیشرفت و غنی شدن پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری و شتاب توسعه فراگیر و پایدار در رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور ارتباط مستقیمی وجود دارد. به همین جهت پیشنهاد می‌شود هر یک از مقوله‌های شناسایی‌شده و روابط میان آن‌ها با سازه تمایز یافتگی خود، به‌صورت مطالعات کمی، کیفی و آمیخته بررسی شوند تا امکان بسط و گسترش بیشتر این یافته‌ها حاصل شود؛ چراکه هیچ کدام از روش‌های پژوهشی بر یکدیگر ارجحیت ندارند بلکه مکمل هم محسوب می‌شوند. همچنین شایان ذکر و توجه است که در پژوهش حاضر یک سری شرایط مؤثر کشف و شناسایی شد که در سه بخش شرایط علی، واسطه‌ای و زمینه‌ای جای گرفته و به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفتند اما با توجه به محدودیت‌هایی مانند کوچک بودن نمونه، احتمالاً شرایط دیگری نیز وجود دارند که در این پژوهش شناسایی نشدند و این می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد. از طرفی، وجود تفاوت‌های فرهنگی در تمایز یافتگی در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی به کرات مطرح و تأیید شده است اما این تفاوت‌ها نه فقط در میان کشورها و فرهنگ‌های مختلف بلکه در درون کشورها و

فرهنگ‌ها نیز می‌تواند مشاهده شود؛ به همین سبب و با توجه به پهنه گسترده کشورمان و وجود گوناگونی فرهنگی، قومی و مذهبی، پیشنهاد می‌شود شکل یافتن تمایز یافتگی به‌عنوان موضوع پژوهش‌های آتی در سایر مناطق کشور مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و نتایج آن‌ها با یکدیگر مقایسه شوند. همچنین این موضوع می‌تواند با تفکیک جنسیتی، گرایش‌های جنسی و یا با تفکیک مشاغل و در اقشار مختلف اقتصادی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد و در نهایت اینکه، با توجه به این امر که در هر خانواده‌ای رده‌های مختلف سنی و پیرو آن ویژگی‌های خاص هر دوره رشد و تحول وجود دارد، از این‌رو شرکت کنندگان در پژوهش حاضر از میان افراد جوان یا به عبارتی بزرگسالان جوان و متأهل انتخاب شدند که میانگین سنی آن‌ها تقریباً سی و پنج سال بود؛ برای بررسی بیشتر و بهتر می‌توان شرایط مرتبط با شکل‌گیری تمایز یافتگی را در رده‌های مختلف سنی، مانند نوجوانان، جوانان (افراد مجرد یا دانشجویان)، میانسالان و سالمندان مورد مطالعه و آزمون قرار داد و نتایج را با یکدیگر تطبیق داد تا دیدگاهی جامع‌تر و گسترده‌تر در این زمینه حاصل شود.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، مقاله فوق فاقد حمایت مالی و تضاد منافی وجود ندارد.

ORCID

Salar Seyyed Majidi
Keyvan Salehi
Yaser Madani
Somaye Shahmoradi



<https://orcid.org/0000-0002-1354-1530>
<https://orcid.org/0000-0001-8673-4248>
<https://orcid.org/0000-0002-6005-0646>
<https://orcid.org/0000-0002-8334-0849>

منابع

- استراوس، الف و کرین، ج. (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: افشار، ا. (۱۴۰۰). چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. چاپ نهم. تهران: نشر دیدار.
- بنی اسدی، علی؛ و صالحی، کیوان. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر اصول و فرایند ساخت و رواسازی پروتکل مصاحبه. نامه آموزش عالی. ۱۲ (۴۶)، ۱۷۷-۲۰۳.
- پاک‌نژاد، ف و احمدی، خ. (۱۳۹۶). همسنجی شناسه‌های تمایز یافتگی خود از دیدگاه میان‌نسلی بوئن با شناسه‌های تمایز یافتگی ادراک شده در جامعه‌ی پدر و مادرهای ایرانی شهر تهران. مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۷، ۱ (۲۳)، ۶۵-۸۴.
- پناغی، ل؛ زاده‌محمدی، ع؛ باقریان، ف؛ پاکدامن، ش؛ احمدآبادی، ز و محمدی، س. (۱۳۹۵). جستجوی الگوی سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱۲ (۴۶)، ۱۷۹-۱۹۶.
- تامسون، ر. (۲۰۰۳). نظریه‌ها و فنون مشاوره. مترجم: اسمعیلی، م. (۱۳۸۸). چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خدیوی، ا و کیلی مفاخری، ا. (۱۳۹۰). رابطه بین انگیزه پیشرفت، منبع کنترل، خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه نواحی پنجگانه تبریز. علوم تربیتی. ۴ (۱۳)، ۴۵-۶۶.
- دانایی‌فرد، ح و امامی، س.م. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. نشریه اندیشه مدیریت. ۱ (۲)، ۶۹-۹۷.
- دهناد، و. (۱۴۰۰). نظریه‌ی خود-تعیین‌گری و ارتباط آن با نظریه هدف‌گذاری. رویش روان‌شناسی. ۱۰ (۳)، ۱۷۱-۱۸۲.
- سرمد، ز؛ بازرگان، ع و حجازی، ا. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ سی‌ام. تهران: نشر آگه.
- سیدمجیدی، س؛ صالحی، ک؛ مدنی، ی و شاهمرادی، س. (۱۴۰۲). فراتحلیل مطالعات خود تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ۴۵ (۲)، ۱۰۱-۱۱۶.
- شهبازی، م. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش راهبردهای مسأله‌گشایی و مهارت‌های ارتباطی بر تمایز یافتگی خود، ابراز وجود، راهبردهای مسأله‌گشایی و مهارت‌های ارتباطی در زوج‌ها. رساله دکتری (نسخه الکترونیکی). دانشگاه شهید چمران: اهواز.

شیدا، س؛ راضی‌رودی، د؛ فروغی، ا و مسعودی، ش. (۱۴۰۰). پیش‌بینی خودمتمایزسازی بر اساس مدل‌های ارتباطی خانواده و تیپ‌های شخصیتی زنان متأهل. *فصلنامه خانواده و بهداشت*. ۳(۲۷)، ۷۹-۹۸.

صالحی، ک؛ بازرگان، ع؛ صادقی، ن و شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۵(۹)، ۵۹-۹۹.

فایرستون، ر.و؛ فایرستون، ل و کتلت، ج. (۲۰۱۳). *تمایز یافتگی خود و یک مدل درمانی برای ارتقای آن*. مترجم: سیدمجیدی، س. (۱۴۰۲). انتشارات علم و دانش: تهران.

فلیک، ا. (۲۰۰۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: جلیلی، ه. (۱۳۹۷). چاپ دهم. تهران: نشر نی.

کریمیان، ز؛ صالحی، ک و خدایی، ا. (۱۳۹۹). ارائه نظریه داده‌بنیاد برای تبیین فرآیند شکل‌گیری روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. ۱۶(۱)، ۷-۴۴.

کمپل، و.ه و روهرباف، ر.م. (۲۰۰۶). *دستنامه فرمول‌بندی زیستی-روانی-اجتماعی*. مترجم: شایگان‌فرد، م. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات ارجمند.

گلدنبرگ، ا و گلدنبرگ، ه. (۲۰۰۰). *خانواده درمانی*. ترجمه: حسین شاهی برواتی، ح.ر؛ نقشبندی، س و ارجمند، ا. (۱۳۹۳). چاپ دهم. تهران: نشر روان.

گلدنبرگ، ه و گلدنبرگ، ا. (۲۰۱۳). *مروری بر خانواده درمانی*. ترجمه: فیروزبخت، م. (۱۳۹۸). چاپ چهارم. تهران: نشر رسا.

محمدپور، ا. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۱۷(۴۸)، ۷۳-۱۰۷.

References

- Aldiabat, K.M., & Navenec, C.L. (2018). Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method. *The Qualitative Report*. 23 (1), 245 – 261. doi: 10.46743/2160-3715/2018.2994.
- Baniasadi, A., & Salehi, K. (2019). Introduction on the Principles and Process of Construction and Validation of the Interview Protocol. *Higher Education Letter*, 12(46), 177-203. https://journal.sanjesh.org/article_36128.html?lang=en
- Bernardi, L; Huinink, J., & Settersten, R.A. (2019). The life course cube: A tool for studying lives. *Advances in Life Course Research*, (41) 1-56. doi: 10.1016/j.alcr.2018.11.004
- Bohlander, J.R. (1995). Differentiation of Self: An Examination of the Concept.

- Issues in Mental Health Nursing*. 16 (2), 165 – 184. doi: 10.3109/01612849509006932
- Bowen, M. (2004). *Family therapy in clinical practice*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
- Breakey, E. (2021). Journeying through transition: A case study in the application of Bowen Family Systems Theory for parish ministry. *PhD Thesis (PDF Version)*. Drew University: Madison, New Jersey.
- Calatrava, M., Mariana, V., Martins, M., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-Gonzalez, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical Psychology Review*; (91), 102101. doi: 10.1016/j.cpr.2021.102101
- Deng, M; Tadesse, E., Khalid, S., Zhang, W., Song, J., & Gao, C. (2023). The influence of insecure attachment on undergraduates' jealousy: the mediating effect of self-differentiation. *Front Psychol*. 14:1153866. doi: 10.3389/fpsyg.2023.1153866
- Didericksen, K.W., Edwards, A. E., & Walker, J.A. (2015). Maternal well-being: Health, differentiation, and relationship satisfaction. *The Family Journal*: 23 (1), 56 – 64. doi: 10.1177/1066480714547186
- Gauthier, J.A., & Česnuitytė, V. (2023). Family in Challenging Circumstances: Ways of Coping. *Social Inclusion*. 11 (1), 210 – 213. doi: 10.17645/si.v11i1.6804
- Gur, A., Egozi, Sh., & Yoav, S. (2024). Self-Differentiation Psychological Flexibility, and Difficulties in Practice in Social Workers and Social Work Students. *Social Work*; 69 (1): 43–51. doi: 10.1093/sw/swad039
- Hooper, L.M., & DePuy, V. (2010). Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*; (18), 358–368. doi: 10.1177/1066480710374952
- Mert, A. (2024). Effect of Self-Differentiation on Trait Anxiety and Authenticity of University Students. *Int J Disabil Sports Health Sci*. 7 (4), 796-803. doi: 10.33438/ijdshs.1463144
- Narayanan, M., & Sriram, S. (2023). An Exploration of Differentiation of Self in Indian Youth. *Human Arenas*. Pp 28. doi: 10.1007/s42087-023-00335-9
- Ru Wang, Q.A. (2019). The Connotation and the Development Process of Youth Self-Differentiation. *Journal of Advances in Psychology*. 9(4), 664-670. doi: 10.12677/ap.2019.94082
- Salerno, A., Tosto, M., Raciti, I., & Merenda, A. (2024). Self-dierentiation and parenting stress in adolescent mothers: An exploratory study. *Front Dev Psychol*. 2:1306427. doi: 10.3389/fdpys.2024.1306427
- Sandage, S.J., Jankowski, P.J., Bissonette, C.D., & Paine, D.R. (2017). Vulnerable narcissism, forgiveness, humility, and depression: Mediator effects for differentiation of self. *Psychoanalytic Psychology*: 34(3), 300–310. doi: 10.1037/pap0000042

- Sauerheber, J.D., Nims, D., & Carter, D. J. (2013). Counseling Muslim Couples From a Bowen Family Systems Perspective. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*. 201 (5), 1 - 9. doi: 10.1177/1066480713514937
- Šnele, M.S., Janković, I., & Mitrović, M. (2023). Self-differentiation, Resilience, Dissocioation, and Depression As Predictors Of Different Family Roles. *Psychological Applications and Trends*; 75-80. doi: 10.36315/2023inpact016
- Swanberg-Hjelm, J.CH. (2020). The Moderating Effect of Negative Childhood Experiences on the Development of Differentiation of Self. *PhD thesis (PDF Version)*. Northcentral University: California.
- Talmon, A., Salomon, N. Sh., & Ginzburg, K. (2020). Differentiation of the self and the body and adjustment to motherhood – A latent class analysis. *Journal of Affective Disorders*. Vol 276 (July). 287–296. doi: 10.1016/j.jad.2020.07.093
- Torres, C., Vallejo-Huangab, D., & Ocanae, X.R. (2021). Quantitative evaluation of family functions and changes in a postmodern context. *Journal of Heliyon*; 7 (6), e07435. doi: 10.7910/DVN/SW7Q6V
- Van den Broeck, A., Howard, J.L., Van Vaerenbergh, Y., Leroy, H., & Gagne, M. (2021). “Beyond intrinsic and extrinsic motivation: a meta-analysis on self-determination theory’s multidimensional conceptualization of work motivation”. *Organizational Psychology Review*. 11 (3), 240 - 273.
- Walker, L., O & Avant, K.C. (1988). *Strategies for theory construction in nursing & medical sincse* (2nd ed.). Norwalk, CF Appleton & Lange. 13, 04B.
- Yildiz, B. (2023). Self-differentiation and self-concealment: serial mediation by self-compassion and intolerance of uncertainty. *Educational and Developmental Psychologist*; 40 (2), 1-11. doi: 10.1080/20590776.2022.2111210
- Zerach, G. (2015). Secondary traumatization among ex-POWs’ adult children: The mediating role of differentiation of the self. *Psychological Trauma, Theory, Research, Practice, and Policy*: 7 (2), 187 – 194. doi: 10.1037/a0037006

استناد به این مقاله: سیدمجیدی، سالار،، صالحی، کیوان،، مدنی، یاسر،، شاهمرادی، سمیه. (۱۴۰۴). مطالعه کیفی شرایط مؤثر در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۶(۶۲)، ۳۶-۱
DOI: 10.22054/qccpc.2025.75805.3198



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.